

## فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

دوره جدید - سال ششم - شماره یکم - بهار ۱۳۹۹ - شماره پیوسته ۲۷

### فعل در گویش دالینی (ص ۱۰۹-۱۲۵)

راضیه موسوی خو<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۹

#### چکیده

گویش دالینی یکی از گویش‌های جنوب غربی ایران است که امروزه گویش رایج مردم روستای دالین است. این روستا در استان فارس، حدفاصل شیراز و اردکان قرار دارد. گویش دالینی زیرشاخه گویش اردکانی از گویش‌های شاخه ایرانی نو غربی است. این مقاله به بررسی ساختار فعل در گویش دالینی می‌پردازد. مواد زبانی این تحقیق در تابستان ۱۳۹۱ از میان مردم این روستا و بخصوص خاندان رئیسی و اسدی دالینی جمع‌آوری شده است. در این مقاله مباحثی مانند ساخت ماده‌های ماضی و مضارع، ساخت مصدر و صفت مفعولی، ادات فعلی، انواع فعل از نظر وجه، زمان و نمود و ساخت فعل مجهول ارائه شده‌اند. فعل درگویش دالینی با فعل در فارسی معیار در بسیاری از موارد فرق دارد. از جمله در چگونگی ساختن زمان‌های مختلف فعل، صرف فعل‌ها، چسبیدن شناسه‌ها به فعل، افعال کمکی و موارد دیگر که همه به تفصیل در این مقاله آمده است. قسمت‌های عمده گویش‌های استان فارس و بوشهر به گروه زبان‌های جنوب غربی ایران تعلق دارند. در برخی از این گویش‌ها، ویژگی مهمی از جمله ساخت ارگاتیو که از لحاظ تاریخی، ادامه صورت تحول‌یافته ساخت مجهول دوره باستان است، در افعال ماضی متعدی در تقابل با افعال لازم ماضی که خود بازمانده زبان فارسی میانه است، به جای مانده است. افعال ماضی متعدی دالینی، همچون زبان پهلوی، به کمک عامل و ماده ماضی ساخته می‌شود. عامل، همیشه پیش از ماده ماضی می‌آید و می‌تواند اسم (مفرد یا جمع) یا ضمائر شخصی متصل یا ضمائر منفصل غیرصریح یا غیرفاعلی باشد؛ چیزی که به فارسی امروزی نرسیده است. شباهت فعل در گویش دالینی با فارسی معیار، اندک و انگشت‌شمار است که این موضوع گویش دالینی را گویشی خاص و درخور توجه می‌سازد. در گویش دالینی برای ساختن وجه‌ها و زمان‌های مختلف، قواعد خاصی وجود دارد؛ مثلاً برخی افعال خاص با استثناء‌هایی همراهند که نشان‌دهنده ظرافت این گویش و دقت در ساخت فعل‌هاست.

کلمات کلیدی: گویش دالینی، فعل، ساخت فعل، ماده ماضی، پیشوند، پسوند.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## ۱. مقدمه

گویش دالینی از گویش‌های جنوب غربی ایران است. «این روستا در استان فارس، حدفاصل شیراز و اردکان در شهرستان سپیدان (بخش همایجان)، در دهستان همایجان قرار دارد و جمعیت آن ۲۲۶۹ نفر می‌باشد» (تعداد خانوار، جمعیت و آبادی در شهرستان سپیدان، ۱۳۸۵). «دهی است از دهستان همایجان، بخش اردکان شهرستان شیراز، واقع در ۲۴ هزار گزی جنوب خاور اردکان. کنار شوسه شیراز به اردکان» (دهخدا، لغت‌نامه، ذیل «دالین»). «جلگه است و سردسیر و مالاریایی. آب آن از شش‌پیر است و محصول آن جا غلات و حبوبات و شغل اهالی زراعت است» (رزم‌آرا، ۱۳۳۰: ۷). گویش دالینی زیرشاخه گویش اردکانی است که از گویش‌های جنوب غربی ایران است. روستاهای اردکان فارس، دالین، خُلار، ابنو، شول، سنگر، چشمه اسپید و خوشمکان به گویش اردکانی سخن می‌گویند. گویش‌های متعلق به جنوب غرب ایران شامل گویش‌های فارس، گویش‌های لری و گویش سیوندی، مجموعه نسبتاً همگنی را تشکیل می‌دهند و بجز گویش سیوندی، با زبان فارسی در یک گروه گویشی قرار دارند (لُکوک، ۱۳۸۷: ۵۶۳). از گویش‌های فارس برای نمونه می‌توان به بورنجانی، ماسرمی، سُمغانی، پاپونی، اردکانی، کلاتی، خُلاری و دوانی اشاره کرد (همان‌جا). درباره برخی از گویش‌های فارس از جمله گویش اردکانی تحقیقاتی صورت گرفته است، اما گویش دالینی که در شمار گویش‌های منطقه اردکان قرار می‌گیرد، هنوز به درستی شناخته نشده و تا کنون پژوهشی برای مستندسازی این گویش و بررسی زبان‌شناختی آن انجام نگرفته است. گویش دالینی جزء شاخه ایرانی میانه نو غربی است. در مورد گویش دالینی تنها پژوهش صورت گرفته، پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان «بررسی زبان‌شناختی گویش دالینی» بوده است. مواد زبانی این تحقیق در تابستان ۱۳۹۱ از میان گروهی از مردم روستای دالین و از طریق تحقیقات میدانی فراهم شده است. مواد زبانی این تحقیق مجموعه لالایی‌ها، شعرها، قصه‌ها و گفتگوهای پراکنده‌ای بوده است که از طریق گفتگو با مرحومه گلستان رئیسی دالینی ۸۴ ساله و مرحومه درخشنده رئیسی دالینی ۸۵ ساله، جهان‌بوس اسدی دالینی ۵۵ ساله و سکینه رئیسی دالینی ۵۰ ساله و اهالی این روستا ضبط و گردآوری شده است. اما در مورد دیگر گویش‌ها تحقیقاتی صورت گرفته است، همچون «واژه‌نامه گویش اردکانی» (امیری اردکانی، ۱۳۸۱)، «بررسی تطبیقی و تاریخی ساخت فعل ارگاتیو در گویش‌های اردکانی، دشتی، دشتکی، کلیمیان یزد و لاری» (حاجیان، ۱۳۸۸)، «بررسی توصیفی، تطبیقی و ریشه‌شناختی گویش دشتی» (حاجیان، ۱۳۸۱)، «بررسی آواشناسی و مباحث دستوری گویش لارستان» (متمدیان، ۱۳۸۵).

۲-۱. ماده فعل

در گویش دالینی، فعل بر پایه ماده مضارع و ماده ماضی ساخته می‌شود. ماده مضارع برای ساخت زمان مضارع (اخباری و التزامی) و امر به کار می‌رود. ماده ماضی برای ساخت زمان‌های ماضی (ساده و استمراری)، ماضی متعدی، ماضی نقلی و ماضی بعید به کار می‌رود. معمولاً ستاک‌های ماضی را به دو دسته منظم و نامنظم تقسیم می‌کنند؛ در نوع منظم، تغییر آوایی اتفاق نیفتاده است اما اگر با افزودن تکواژ ماضی، تغییر آوایی اتفاق افتاده باشد به آن‌ها ستاک نامنظم می‌گویند. برای ساخت ماضی، برخی بازمانده صفت مفعولی باستانی هستند که ta باستانی در پایان آن‌ها به صورت t, d, s دیده می‌شود؛ مانند:

ماده ماضی	ماده مضارع	مصدر	
seyd	sū	seydan	خریدن

ستاک‌های ماضی که تحولات آوایی در آن‌ها اتفاق افتاده است:

ماده ماضی	ماده مضارع	مصدر	
amey	ā	andan	آمدن
vābī	bū	vābesan	شدن

۲-۱-۱. ماده ماضی جعلی با افزودن پسوند /ā/ī/es به بن مضارع ساخته می‌شود.

بن مضارع جعلی	بن مضارع	فارسی
veys-ā	veys	ایستاد
ša:s	šā	توانست
kaš-ī	kaš	کشید

۲-۱-۲. پسوند سببی‌ساز در گویش دالینی، -on- (فارسی میانه: -en-) و -ūn- است که به ماده مضارع افزوده می‌شود.

همچنین ستاک ماضی این افعال با افزودن d ساخته می‌شود.

مضارع سببی	ماده مضارع غیرسببی	ماضی سببی	فارسی
xow-ūn	xow-	xow-on-d	خواباند
ters-ūn	ters-	ters-on-d	ترساند

## ۲-۲. مصدر

پسوند مصدرساز در گویش دالینی -an- (فارسی میانه: -an-) است که به ماده ماضی افزوده می‌شود.

ša:san	توانستن	seyd-an	خریدن
--------	---------	---------	-------

## ۲-۳. صفت مفعولی گذشته و صفت فاعلی گذشته

صفت مفعولی گذشته از فعل متعدی و صفت فاعلی گذشته از فعل لازم و پسوند -a ساخته می‌شود.

xoft-a	خوابیده	veysīd-a	ایستاده
anded-a	آمده	šas-a	نشسته

من دیدم که او نشسته و مرا نگاه می‌کند. mom dī em ša:sa. seyl mo mīkond.

از صفت مفعولی گذشته و صفت فاعلی گذشته در ساختن ماضی نقلی استمراری، ماضی بعید، ماضی بعید نقلی و فعل مجهول استفاده می‌شود.

## ۴-۲. وندهای تصریفی

وند، تکواژی است که معنی مستقل ندارد و در ساخت واژه یا صرف آن به کار می‌رود (وند صرفی، واژه نمی‌سازد بلکه شکل صرفی واژه را تغییر می‌دهد. وندی را که در ساخت واژه به کار می‌رود، وند اشتقاقی و وندی را که شکل صرفی واژه را تغییر می‌دهد، وند صرفی می‌نامند).

پیشوند: تکواژ وابسته‌ای است که به آغاز واژه می‌چسبد و معنای آن را تغییر می‌دهد.

۴-۲-۱. پیشوند وجه: *bī* پیشوند وجه التزامی و امری است که قبل از ماده فعلی می‌آید و بسته به واج آغازین ماده مضارع یا مصوت هجای آغازین ماده مضارع به کار می‌رود؛ یعنی در حقیقت با مصوت نخست ماده فعل همگون می‌شود.

۴-۲-۱-۱. چنانچه ماده مضارع با صامت آغاز شود و اولین مصوت ماده *ī* باشد، برای همگونی با *o*، پیشوند وجه به صورت *o* و گاهی *bo/-bū* ظاهر می‌شود.

مضارع التزامی	امر	ماده مضارع	مصدر	
بستانند	بستان	ستان	ستدن	فارسی
o-sūn	o-sū	sū	seydan	گویش دالینی
برود	برو	رو	رفتن	فارسی
būšūd	bū-šū	šū	eštan	گویش دالینی

خودش می‌خواست به دالین برود. *xoš mīyas būšūd a dālīn.*

۴-۲-۱-۲. چنانچه ماده مضارع با صامت آغاز شود و پس از آن مصوت *ī* باشد، *bī* ظاهر می‌شود.

مضارع التزامی	امر	ماده مضارع	مصدر	
بنشینند	بنشین	نشین	نشستن	فارسی
bī-šīnd	ošīn	šīn	ša:san	گویش دالینی

او نمی‌تواند سر جایش بنشیند. *eš nīmīšā bīšīnd a sar jāš .*

۳-۱-۴-۲. چنانچه ماده مضارع با صامت آغاز شود و پس از آن مصوت ā باشد، bo ظاهر می‌شود.

مضارع التزامی	امر	ماده مضارع	مصدر	
بخارانم	بخاران	خار	خاراندن	فارسی
bo-xāranam	bo-xāran	xār	xārand-an	گویش دالینی

استثناء: بردن

مضارع التزامی	امر	ماده مضارع	مصدر	
ببرم	ببر	بَر	بردن	فارسی
berbem	berb	bar	bordan	گویش دالینی

۴-۱-۴-۲. چنانچه ماده مضارع با مصوت ā/a آغاز شود bī ظاهر می‌شود و صامت میانجی y نیز بین فعل و ماده مضارع می‌آید.

مضارع التزامی	امر	ماده مضارع	مصدر	
بیایم	بیا	آی	آمدن	فارسی
bī-yeym	bīya	ā	andan	گویش دالینی

می‌خواهیم زودتر بیاییم. mū mīyā zeltar bī-yeym.

۵-۲. پیشوند (استمرار)

۱-۵-۲. نشانه استمرار mī- (فارسی: می) است که در فعل ماضی استمراری و مضارع اخباری قبل از ماده فعل می‌آید و در برخی افعال نیز افزوده شدن شناسه‌ها به اول فعل از نشانه‌های استمرار است:

۱-۱-۵-۲. چنانچه ماده فعل با مصوت o/a/ū یا ā آغاز شود هنگام اتصال mī- به ماده فعل معمولاً صامت میانجی y ظاهر می‌شود.

فعل	ماده	مصدر	
می‌آمد	آی	آمدن	فارسی
mī-yamey	ā	and-an	گویش دالینی

اگر خودش می‌آمد بهتر بود. a xoš mī-yamey bextar bī.

۲-۱-۵. چنانچه ماده فعل با مصوّت e آغاز شود هنگام اتصال mī- به ماده فعل، گاه این مصوّت حذف می‌شود و صورت میانجی ظاهر نمی‌شود.

فعل	ماده	مصدر	
می اندازم	انداز	انداختن	فارسی
mī-ndāzem	endāz	endāt-an	گویش دالبنی

خودم لباس بلندت را روی بند می‌اندازم. xom Yabā-ta mī-ndāzem a rī band.

۲-۱-۵-۳. چنانچه ماده فعل با صامت آغاز شود به جز چند استثناء، هنگام اتصال mī- تغییرات آوایی ایجاد می‌شود.

فعل	ماده	مصدر	
می‌روم	رو	رفتن	فارسی
mī-šem	šo	eštan	گویش دالبنی

čī mī-ne ?

چه می‌کنی؟

۲-۶. پیشوند نفی

نشانه نفی در گویش دالبنی، جزء پیشین -na و نشانه نفی، جزء پیشین -ma است که به شکل زیر ساخته می‌شود:

eš-na:lešt	فعل منفی → بن ماضی + na شناسه	نگذاشت
ma-šo	فعل نهی → بن مضارع + ma	نرو

نگذاشت هیچ کس به بیرون برود. eš-na:lešt hīška būšūd a dar.

۲-۱-۶. چنانچه ماده مضارع با مصوّت آغاز شود در برخی اوقات بین -na / -ma و ماده مضارع، صامت میانجی y ظاهر می‌شود.

فعل	ماده	مصدر	
نیاور	آور	آوردن	فارسی
ma-yār	ār	āvordan	گویش دالینی

ma-yār-š a pas.

آن را پس نیاور.

## ۷-۲. (شناسه های فعلی)

### ۱-۷-۲. شناسه‌های فعلی در گویش دالینی

-em	م	اول شخص مفرد
-ī	ی	دوم شخص مفرد
-	د	سوم شخص مفرد
-īm	یم	اول شخص جمع
-īd	ید	دوم شخص جمع
-en	ند	سوم شخص جمع

۲-۷-۲. فعل سوم شخص مفرد در زمان ماضی ساده، شناسه ندارد؛ به عبارت دیگر، این فعل همان

ماده ماضی است؛ مثلاً زمان ماضی ساده فعل نشستن: ša:san

ša:sīm	نشستیم	ša:s-em	نشستم
ša:sīd	نشستید	ša:s-ī	نشستی
ša:sen	نشستند	ša:s-	نشست

ša:s a rī gel o bonā-š ke a gīra.

روی زمین نشست و گریه کردن را شروع کرد.

## ۸-۲. زمان‌های فعل

فعل در گویش دالینی، از نظر زمان و وجه دارای انواع زیر است:

مضارع اخباری، مضارع التزامی، امری، مضارع در جریان، ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی نقلی، ماضی نقلی استمراری، ماضی بعید، ماضی التزامی و آینده. در این گویش، ماضی بعید التزامی و ماضی ابعاد وجود ندارد.



۲-۸-۱. مضارع اخباری

فعل مضارع اخباری از وند mī- و ماده مضارع و شناسه‌های فعلی ساخته می‌شود.

رفتن: eštan / ماده مضارع: šo

mīšem	می‌رویم	mīšem	می‌روم
mīšīd	می‌روید	mīše	می‌روی
mīšen	می‌روند	mīšūt	می‌رود

mo mīšem a dīmeš.

من به دنبالش می‌روم.

مضارع اخباری فعل خوردن: xordan

merx-īm	می‌خوریم	merx-em	می‌خورم
merx-īd	می‌خورید	merx-emī	می‌خوری
merx-en	می‌خورند	mīxord	می‌خورد

onālo faghat mīyen o merx-en o mīšen.

آن‌ها فقط می‌آیند و می‌خورند و می‌روند.

۲-۸-۲. مضارع التزامی

فعل مضارع التزامی از جزء پیشین be- و گونه‌های آن /bo/be/bū/ و ماده مضارع و شناسه‌های فعلی ساخته می‌شود.

ماده مضارع: šo

be-šem	بروم
be-še	بروی
bū-šūt(d)	برود
be-šem	برویم
be-šīd	بروید
be-šen	بروند

a xodā-m mīyā be-šen.

از خدا می‌خواهم که بروند.

مضارع التزامی فعل خریدن: seydan

در گویش دالینی، صرف فعل seydan در مضارع التزامی بدین نحو است که به جای be، جزء پیشین o افزوده می‌شود.

osonem	بخرم
osone	بخری
bū-sūnd	بخرد

چه چیزی می‌خواهی بخری؟ *čī-t mīyāā osone?*

۲-۸-۳. امر

فعل امر از جزء پیشین be و گونه‌های آن bū/boī و گاهی o به همراه ماده مضارع و به ندرت ماده ماضی فعل ساخته می‌شود.

bo-šo	برو
o-šī	بنشین

شب است، برو و بخواب. *šow nak bo-šo bo-xoft.*

۲-۸-۴. مضارع در جریان

در گویش دالینی، ساخت مضارع در جریان به صورت زیر است:  
اسمی که از فعل ساخته می‌شود به همراه فعل کمکی «کردن» که تنها در سوم شخص مفرد به صورت kardan و در صیغه‌های دیگر به صورت زیر می‌آید:

گریه کردن:

gīra mīnem	دارم گریه می‌کنم
gīra mīne	داری گریه می‌کنی
gīra mīkond	دارد گریه می‌کند
gīra meynem	داریم گریه می‌کنیم
gīra meynīd	دارید گریه می‌کنید
gīra mīnen	دارند گریه می‌کنند

رفته‌اند توی حیاط و دارند گریه می‌کنند. eštesan a tū owšā gīra mīnen.

## ۲-۸-۵. ماضی ساده

در گویش دالینی، ساخت ماضی افعال متعددی، همچون زبان پهلوی است، چیزی که امروزه در زبان فارسی باقی نمانده است. ماضی افعال متعددی دالینی، به کمک عامل و ماده ماضی ساخته می‌شود. عامل، همیشه پیش از ماده ماضی می‌آید و می‌تواند اسم (مفرد یا جمع) یا ضمائر شخصی متصل یا ضمائر منفصل غیر صریح یا غیر فاعلی به‌عنوان عامل بیاید. در گویش‌های اردکانی، دشتی، دشتکی، لاری و کلیمیان یزد که از گویش‌های جنوب غربی ایران هستند، کاربرد این ساخت را به صورت گسترده می‌بینیم و این گویش‌ها از گروه ارگاتیو کامل مطلق هستند. «ارگاتیو اصطلاحی است که در زبان‌شناسی نوین و به‌ویژه در رده‌شناسی زبان به‌کار می‌رود و آن از یک فعل یونانی به معنی سبب شدن، به وقوع رسانیدن، خلق کردن گرفته شده است. این ویژگی حالتی دستوری است که خاص فاعل فعل متعددی است و معمولاً ویژه زبان‌هایی است که قدیمی‌ترند و کمتر دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های زبانی شده‌اند؛ به عبارت دیگر، محافظه‌کارترند و به صورت‌های باستانی خود گرایش دارند. در زبان‌هایی مانند سومری باستان، تبتی، برمه‌ای، بوروشاسکی، اسکیمو، باسک و برخی از زبان‌های استرالیایی، قفقازی، هندی و ایرانی، به جز زبان‌های آفریقایی، نمونه‌ای از این ساخت دستوری یافت شده است» (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۲۱). در تحول از ایرانی باستان به ایرانی میانه، فعل‌های ماضی مطلق و ماضی استمراری از زبان‌های ایرانی غربی خارج شد و لیکن کاربرد صفت مفعولی گذشته جایگزین دو ساخت دیگر شد، اما با توجه به لازم و متعددی بودن افعال، دو نوع فعل ماضی پدید آمد: فعل ماضی لازم و فعل ماضی متعددی. فعل ماضی ساده متعددی در دالینی از ماده ماضی فعل و شناسه فعلی (عامل) ساخته می‌شود.

ماضی ساده فعل بردن: *bordan*

om bo	بردم
et bo	بردی
eš bo	برد
mū bo	بردیم
tū bo	بردید
šū bo	بردند

هر چه توانستیم بردیم. harčī mū ša:s mū bo.

## ۲-۸-۶. ماضی استمراری

فعل ماضی استمراری از ترکیب شناسه (عامل) و وند mī- و ماده ماضی ساخته می‌شود.

ماضی استمراری فعل نهادن: nāhād-an

om-mī-nāhā	می نهادم (می گذاشتم)
et-mī-nāhā	می نهادی
eš-mī-nāhā	می نهاد
mū-mī-nāhā	می نهادیم

هر روز صبح زود، غذایمان را روی اجاق می‌نهادیم. (کنایه از آماده کردن و پختن)

har rū sob ga čīmūna mū-mī-nāhā čāla.

## ۲-۸-۷. ماضی نقلی

در گویش دالینی، ماضی نقلی از ترکیب شناسه (عامل) با ماضی ساده و اضافه شدن a به پایان آن ساخته می‌شود.

ماضی نقلی فعل گذاشتن: nāhād-an

om-nāhād-a	گذاشته‌ام
tū-nāhād-a	گذاشته‌اید
šū-nāhād-a	گذاشته‌اند

کلید را روی رختخواب‌ها گذاشته‌ام. kīlīl om-nāhād-a rī pūšanal.

اگر فعل، از نوع مرکب باشد، شناسه میان جزء اول و دوم فعل قرار می‌گیرد:

ماضی نقلی فعل اسباب‌کشی کردن / بارکردن: bār kerdan

bār-om kerd-a	اسباب‌کشی کرده‌ام
bār-šū kerd-a	اسباب‌کشی کرده‌اند

هر چه در امامزاده بود، بارکرده‌اند و برده‌اند.

har čī tū omūmzāda bada būr-šū kerda šū-bord-a.

## ۲-۸-۸. ماضی نقلی استمراری

فعل ماضی نقلی استمراری از جزء پیشین mī- و فعل ماضی نقلی ساخته می‌شود.

در مثال زیر، حرف میانجی ی بین پیشوند mi و فعل ماضی نقلی آمده‌است.

mī-yanded-em	می آمده‌ام
mī-yanded-e	می آمده‌ای

هر شب صد بار می‌آمده، گریه می‌کرده و می‌رفته‌است.

har šow sad volā mī-yanded-a gīra-š mīkerd-a mīšted-a.

## ۲-۸-۹. ماضی بعید

فعل ماضی بعید از صفت مفعولی گذشته فعل مورد نظر و ماضی ساده bī و در برخی افعال ماضی گذشته، būd که bos است ساخته می‌شود.

ماضی بعید فعل خواباندن: xowond-an

om xowond-a bī	خوابانده بودم
mū xowond-a bī	خوابانده بودیم
tū xowond-a bī	خوابانده بودید

دخترک را خوابانده بودم و نشسته بودم. doftakū om-xowond-a bī om-ša:sa bī.

ساخت ماضی بعید برخی فعل‌ها در گویش دالینی، خاص و نوعی استثناء است و از صفت فاعلی همراه با صرف گذشته būd که bos است ساخته می‌شود.

ماضی بعید فعل رفتن: ešt-an

ešta bosem	رفته بودم
ešta boseī	رفته بودی

ešta bū	رفته بود
ešta bosem	رفته بودیم
ešta bosen	رفته بودید
ešta bosen	رفته بودند

تعدادی از آن‌ها رفته بودند و تعدادی از آن‌ها آمده بودند.

ye boršū ešta bosen ye boršū anda bosen.

## ۲-۸-۱۰. ماضی التزامی

فعل ماضی التزامی از صفت مفعولی گذشته فعل و bū ساخته می‌شود.

ماضی جوشاندن: jūšūnd-an

om-jūšūnd a- bū	جوشانده باشم
tū-jūšūnda -bū	جوشانده باشید
šū-jūšūnda- ben	جوشانده باشند

a šīr šū-jūšūnda-ben bextarenak.

اگر شیر را جوشانده باشند بهتر است.

## ۲-۹. فعل مجهول

فعل مجهول از صفت مفعولی و فعل: vābesa: شده / vōbī: شد / ābī: شد / یا veymbū: می‌شود، ساخته می‌شود.

۲-۹-۱. مجهول ماضی اخباری ساده: از صفت مفعولی یا اسم و فعل: vābī: شد / ābī: شد، ساخته می‌شود؛ مثال:

xord ābī.

شکسته شد

۲-۹-۲. مجهول ماضی نقلی: از صفت مفعولی یا اسم و فعل: vāābesa: شده است، ساخته می‌شود؛ مثال:

gījāl vābesa/ābesa.

گیج شده است

۳-۹-۲. مجهول ماضی در جریان: (از شدن: /veymbī/eymbī + اسم + dāšt) ساخته می‌شود؛  
مثال:

dāšt xafa veymbī. داشت خفه می‌شد.

۴-۹-۲. مجهول ماضی بعید: از ترکیب اسم و فعل (ābesa bī) شده بود) ساخته می‌شود؛ مثال:

pīr ābesa bī. پیر شده بود

۵-۹-۲. مجهول مضارع التزامی: از صفت مفعولی و فعل vābū/ābū ساخته می‌شود؛ مثال:  
فروخته شود.

foroxta vābū.

۱۰-۲. آینده

برای ساخت زمان آینده در گویش دالینی، از فعل کمکی mīyā: خواستن استفاده می‌شود؛ یعنی شناسه + mīyā + فعل مضارع التزامی.

om mīyā boxrem	می‌خواهم بخورم
šū mīyā berbeneš	می‌خواهند آن‌را ببرند.

گاهی نیز مضارع اخباری بر آینده دلالت می‌کند:

sabā sob mišem. pas sabā vāmigerdem. فردا صبح می‌روم. پس فردا برمی‌گردم.

### ۳. نتیجه‌گیری

ویژگی‌های شاخص فعل در گویش دالینی را بدین گونه می‌توان خلاصه کرد: ۱- بر خلاف فارسی که شناسه‌های فعلی در آخر فعل می‌آید، در گویش دالینی شناسه‌ها در ابتدای فعل به کار می‌روند.  
۲- قسمت‌های عمده گویش‌های استان فارس و بوشهر به گروه زبان‌های جنوب غربی ایران تعلق دارند. در برخی از این گویش‌ها، ویژگی مهمی از جمله ساخت ارگاتیو که از لحاظ تاریخی، ادامه صورت تحول یافته ساخت مجهول دوره باستان است، در افعال ماضی متعدی در تقابل با افعال لازم ماضی که خود بازمانده زبان فارسی میانه است، به جای مانده است. افعال ماضی متعدی دالینی، همچون زبان پهلوی، به کمک عامل و ماده ماضی ساخته می‌شود. عامل، همیشه پیش از ماده ماضی می‌آید و می‌تواند اسم (مفرد یا جمع) یا ضمائر شخصی متصل یا ضمائر منفصل غیر صریح یا غیر

فاعلی باشد، چیزی که به فارسی امروزی نرسیده است. ۳- برخی فعل‌ها با معنای واحد، شکل‌های متفاوتی می‌گیرند؛ مثلاً «xordan: خوردن» هم به صورت «bexrem: بخورم» و هم به صورت «berxem: بخورم» به کار می‌روند. ۴- علامت نفی در دالینی بین شناسه و ماده ماضی و مضارع قرار می‌گیرد. ۵- نشانه استمرار، ادات mī است. ۶- برای ساخت آینده از فعل کمکی «mīyā: خواستن» استفاده می‌شود که بعد از شناسه می‌آید. ۷- ساخت ماضی نقلی استمراری از محدود مواردی است که شناسه در میان دو جزء فعل مرکب قرار می‌گیرد: «gīra-m mīkerda: گریه می‌کردم». ۸- ماضی نقلی با افزوده شدن a به پایان فعل ساخته می‌شود. ۹- در ساخت امر، گاهی کاربرد o به جای bū دیده می‌شود که جنبه جالبی از ساخت فعل در این گویش است: «oštī: بنشین». ۱۰- در ساخت افعال در این گویش، گاهی با تغییرات خاصی مواجه می‌شویم که تنها گویشوران قادر به انجام آن هستند و قابل پیش‌بینی نیست. در ساخت فعل مضارع در جریان فعل کمکی کردن که در تمام صیغه‌ها به صورت «mīnem: می‌کنم» ظاهر می‌شود، در صیغه سوم شخص به شکل «mīkond: می‌کند» ظاهر می‌شود.

در مجموع، صرف فعل در گویش دالینی تفاوت‌های بسیاری با صرف آن در فارسی دارد که مطالعه این گویش را برای ما مهم می‌کند و گاه با تغییرات جالب و کاملاً خاص این گویش در صرف افعال مواجه می‌شویم که برای هر علاقه‌مندی در خور توجه است؛ مثلاً «dāšta: داشتن» از افزودن «bī: بود» به شناسه، تولید می‌شود؛ مانند «om bī: داشتم» که با فارسی کاملاً فرق دارد.

## منابع

### کتاب‌ها

- ابوالقاسمی، محسن، (۱۳۶۷)، پنج گفتار در دستور تاریخی زبان فارسی، تهران: کتابسرای بابل.
- ابوالقاسمی، محسن، (۱۳۷۵)، دستور تاریخی زبان فارسی، تهران: سمت.
- پورریاحی، مسعود، (۱۳۷۶)، شناسایی گویش‌های ایران ۲، چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- تعداد خانوار، جمعیت و آبادی در شهرستان سپیدان، (۱۳۸۵)، شیراز: انتشارات استانداری فارس.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۲)، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.



- رزم آرا، حسینعلی، (۱۳۳۰)، فرهنگ جغرافیایی ایران (استان هفتم فارس)، دایره جغرافیایی ستاد ارتش.
  - کلباسی، ایران، (۱۳۸۰)، ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
  - نائل خانلری، پرویز، (۱۳۸۰)، دستور زبان فارسی، تهران: نشر توس.
  - هاجری، ضیاء الدین، (۱۳۷۵)، فرهنگ وندهای فارسی، تهران: سمت.
- مجلات**
- حاجیانی، فرخ، (۱۳۸۸)، «بررسی تطبیقی و تاریخی ساخت فعل ارگاتیو در گویش‌های اردکانی، دشتی، دشتکی، کلیمیان یزد و لاری»، مجله آموزش مهارت‌های زبان دانشگاه شیراز، دوره اول، شماره اول، صص ۲۱-۴۰.
  - کلباسی، ایران، (۱۳۶۷)، «ارگاتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایران»، مجله زبان‌شناسی، (۲)۵، صص ۷۰-۸۷.
  - لوکوک، پیر، (۱۳۸۲)، «گویش‌های جنوب غربی ایران»، راهنمای زبان‌های ایرانی، ویراستار: ر.اشمیت، مترجمان آ.بختیاری و دیگران، ترجمه فارسی زیر نظر حسن رضایی باغ‌بیدی، تهران: ققنوس، صص ۵۶۳-۵۷۶.
  - نغزگوی کهن، مهرداد، (۱۳۸۹)، «افعال معین و نمایش نمود در زبان فارسی»، مجله ادب پژوهی، شماره ۱۴، صص ۹۳-۱۱۰.